

نه مذهب یهود و نه یهودیان دیندار هیچکدام

مسئول قتل عیسی مسیح نیستند!

نوشته: کشیش بانئ پال نت نیل

شوربختانه مشاهده می‌شود که برخی از دوستان تازه ایمان در شبکه‌های اجتماعی دارند در دام کسانی می‌افتند که با عینکی که از دین و مذهب سابق بر افکار پوسیده خود دارند، آموزگاران کتابمقدس شده‌اند! پروانه ندهید برخی از خدا بی‌خبران، بذر کینه و نفرت نسبت به دین و مذهب و شریعت یهود در قلبتان بکارند. کسانی که دست به این کار خدا ناپسند می‌زنند دانسته یا ندانسته از افکار یهود ستیزی که در دین سابقشان داشتند پیروی می‌نمایند. آنها با عینکی که از دین سابقشان بر چشم دارند، می‌خواهند افکار شما را مسموم کنند! آنان دین و شریعت مقدس یهود را با دین پیشین خود یکی می‌دانند و گمان می‌برند که برخورد عیسی مسیح با ملایان یهود به معنای برخورد عیسی مسیح با ملایان دیگر ادیان است!

یکی از دروغ‌پردازیه‌های آنان این است که شریعت و دین مقدس یهود، مسئول به صلیب کشیدن عیسی مسیح بود. اگر بپذیریم که عیسی همان کلمه خداست، و اینکه طبق اول پطرس ۱ : ۱۰ و ۱۱ این روح مسیح بود که در انبیای عهد عتیق کار می‌کرد، پس بانئ و پایه‌گذار دین و شریعت یهود خود عیسی مسیح خداوند بوده است. چگونه مسیح می‌تواند بر ضد شریعتی باشد که خودش مقرر کرده است یا اینکه چگونه آن شریعت می‌تواند بر ضد کسی باشد که بنیانگذار آن است؟

عیسی مسیح به زن سامری گفت: «ما آنچه را که می‌دانیم عبادت می‌کنیم، زیرا نجات از یهود است» (یوحنا ۴ : ۲۲). بنابراین، رستگاری ما از گناه، از دین و قوم یهود است. ما بنا بر آنچه در شریعت و آیین قوم یهود آمده است رستگار

می‌گردیم. عیسیای مسیح در مقام یک یهودی تمام آن شریعتی را که پیشتر به قوم یهود داده بود، مو به مو اجرا کرد و حتی بر طبق آنچه خودش در تورات و کتابهای انبیا گفته بود مصلوب شد. به همین دلیل در متی ۵ : ۱۸ می‌فرماید : «تا آسمان و زمین زایل نشود همزه‌ای یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.» و در آیه ۱۹ به یهود ستیزان هشدار می‌دهد که هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و تازه از راه فیس بوک هم به مردم چنین تعلیم نماید که شما نباید احکام تورات را انجام دهید، او در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود، اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. پس بنا بر گفته مسیح تا زمانی که آسمان و زمین پا برجاست شریعت و احکام دین یهود نیز پا بر جا خواهد بود و از بین نخواهد رفت!

عیسای مسیح درباره سخنان و تعالیم خودش هم چنین فرمود: «آسمان و زمین زایل خواهد شد، لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد» (متی ۲۴ : ۳۵). و از اینجاست که درمی‌یابیم سخنان مسیح در عهد عتیق همان جایگاه سخنان او را در عهد جدید دارند. و آن سخنان هرگز نمی‌تواند این سخنان را نقض کند یا اینکه این سخنان آن سخنان را باطل نماید. به بیانی دیگر خدا در عهد عتیق شریعت را به انسان داد و در عهد جدید شریعتی را که خودش به انسان داده بود تمام و کمال به انجام رساند.

البته اجرای بخشی از شریعت موسی که نمادی از قربانی کامل یعنی عیسیای مسیح بود که همانا آیین‌های مذهبی یهود است در عهد تازه متوقف شده است، ولی قانونهای اخلاقی و آنچه مربوط به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان است هرگز متوقف نشده و نخواهد شد. به همین دلیل است که پولس رسول تیموتاؤوس را تشویق می‌کند به خواندن و نگه داشتن آنچه در کتابهای تورات و عهد عتیق آمده است: «از طفولیت کتب مقدسه (کتابهای عهد عتیق) را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجات به وسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. تمامی کتب (کتابهای عهد عتیق) از الهام خداست و به جهت

تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته بشود» (دوم تیموتاؤوس ۳ : ۱۵ - ۱۷). بنابراین بر پایه این گفته پولس، شریعت و دین یهود ما را به سوی نجات به وسیله ایمانی که بر مسیح است هدایت می کند نه اینکه آن شریعت بر ضد مسیح است.

دروغ پردازی دیگر این است که ملایان و یهودیان دیندار و مذهبی، مسؤل کشتن عیسای مسیح خداوند بودند و این مذهبی بودن بود که عیسی را مصلوب کرد. کسانی که چنین می گویند گویا دلشان از ملایان دین سابقشان پُر است که گمان می برند ملایان یهودی نیز مانند ملایانی هستند که آنها در دین سابقشان داشتند! گوش خود را خوب باز کنید و بشنوید: خیر چنین نیست! ملایان دین سابق شما بنا بر کتاب دینی و شریعتی که دارند رفتار می کنند، ولی عیسای مسیح در گفتمانهایی که با فریسیان و کاتبان و ملایان یهود داشت به روشنی نشان داد که آنها دیندار و پایبند به اصول احکام خدا در شریعت موسی نبودند و بنا بر آنچه خود او از طریق موسی در شریعت یهود گفته بود رفتار نمی کردند. برای نمونه در متی ۲۳ : ۳ درباره کاتبان و فریسیانی که بر کرسی موسی نشسته اند چنین می گوید: «آنچه به شما گویند نگاه دارید و به جا آورید، لیکن مثل اعمال ایشان نکنید، زیرا می گویند و نمی کنند.» آیا کسی که چیزی را از دینش به دیگران بگوید و خودش آن را انجام ندهد شما او را دیندار و مذهبی می نامید یا بی دین؟ در آیه ۲۳ از همان باب عیسی به آنان می گوید: «اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید.» آیا کسی که احکام بزرگ شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را به جا نیاورد شما او را مذهبی و دیندار نسبت به آیین یهود می شمارید؟

چرا ملایان یهود می خواستند عیسی را بکشند، آیا چون مذهبی و دیندار بودند یا اینکه چون از تورات موسی و کتابهای عهد عتیق آگاهی درست نداشتند و آن را اجرا نمی کردند؟ عیسی در یوحنا ۵ : ۴۵ و ۴۶ خطاب به آنها چه می گوید؟ «اگر موسی را تصدیق می کردید، مرا نیز تصدیق می کردید، چونکه او درباره من

نوشته است. اما چون نوشته‌های او را تصدیق نمی‌کنید پس چگونه سخنهای مرا قبول خواهید کرد؟» آیا کسی که موسی و نوشته‌های او را تصدیق نمی‌کند، شما او را پایبند به ارزشهای دین و شریعت موسی می‌دانید؟ در یوحنا ۸ : ۱۹ باز به کاتبان و فریسیان می‌گوید: «نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. هرگاه مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید.» آیا شما کسی را که خدا شناس باشد، دیندار و مذهبی می‌نامید یا از خدا بی‌خبر و لامذهب به شمار می‌آورید؟

استیفان در برابر شورای یهود به روشنی فرمود: «شما که به توسط فرشتگان شریعت را یافته آن را حفظ نکردید» (اعمال ۷ : ۵۳). بله دوستان ارجمند، کسانی که عیسی را کشتند یهودیان دیندار و متعهد و پایبند به شریعت و تورات و دین یهود نبودند. آنها شریعت موسی را حفظ نمی‌کردند، زیرا شناخت درستی از آن شریعت مقدس نداشتند. اگر موسی و شریعت او را می‌شناختند مانند شاگردان عیسی به او ایمان می‌آوردند. آیا یادتان می‌آید زمانی که فیلیپس نتناییل را یافت به او چه گفت؟ «آن کسی را که موسی در تورات و انبیا مذکور داشته‌اند، یافته‌ایم که عیسی پسر یوسف ناصری است» (یوحنا ۱ : ۴۵). یهودیان دیندار و مذهبی مریم، یوسف، شمعون پیر، حنا دختر فنوییل، نیکودیموس، یوسف اهل رامه و صدها نفری بودند که به مسیح ایمان آوردند، زیرا ایمان آوردن به او بر پایه و اساس شریعت موسی و نوشته‌های انبیا بود.

حالا گیریم که یهودیان گناهکار و مذهبی و دیندار قاتلان عیسی مسیح باشند، به من و شما چه ربطی دارد؟ مگر مسیح بر روی صلیب برای همه کسانی که مسؤول قتل او بودند، چنین دعا نکرد: «ای پدر، اینها را بیامرزش، زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا ۲۳ : ۳۴)؟ عیسی آنها را آمرزید و برای آنان دعای خیر کرد، اکنون شما تازه به دوران رسیده‌ها از ما می‌خواهید که بساط سینه زنی برای مرگ به ناحق مسیح راه بیاندازیم و کوس انالحق بزنییم؟ چرا شما می‌خواهید کاسه داغ‌تر از آش باشید و چرا خودتان را کاتولیک‌تر از پاپ به شمار می‌آورید؟

آنچه بین مسیح و قوم یهود گذشته بین خود آنها بوده و در همان یک صد سال نخست آیین مسیحیت حل و فصل شده است.

درست است که پطرس در اعمال ۳ : ۱۵ خطاب به یهودیان می‌گوید: «رییس حیات را گشتید که خدا او را از مردگان برخیزانید و ما شاهد بر او هستیم.» ولی سخن را در اینجا خاتمه نمی‌دهد، بلکه در آیه ۱۷ می‌فرماید: «ای برادران می‌دانم که شما و همچنین حکام شما این را به سبب ناشناسایی کردید.» به زبانی ساده‌تر یهودیان عیسی را کشتند، زیرا آگاهی نداشتند و جاهل بودند. البته پولس در مقیاسی وسیع‌تر می‌فرماید: «احدی از رؤسای این عالم آن را (آن حکمت مخفی را) ندانست، زیرا اگر می‌دانستند خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند» (اول قرن‌تیاں ۲ : ۸). در جای دیگر، زمانی که شاگردان با هم دعا می‌کردند، در دعایشان گفتند که وقتی هیرودیسی و پنطیوس پیلاطس با امتهای قومهای اسراییل بر ضد عیسی با هم جمع شدند، این کار آنها برای این بود که «آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدر فرموده بود، به جا آورند» (اعمال ۴ : ۲۷ - ۲۸). بنابراین، دست و رأی خدا در مرگ عیسی در کار بود.

اگر شما بخواهید کسی را مسؤول به صلیب کشیدن عیسی مسیح بدانید، بهتر است ابتدا انگشت محکومیت را به سوی خدای پدر نشانه بگیرید نه قوم یهود یا رومیان یا حتی دین و مذهب مقدس یهود. «زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد» (یوحنا ۳ : ۱۶). بی‌درنگ عیسی مسیح جلوی انگشت محکومیت شما که به سوی خدای پدر دراز است خواهد ایستاد و خواهد فرمود: «هیچ کس جانم را از من نگرفت، بلکه من خود آن را نهادم» (یوحنا ۱۰ : ۱۸). در اینجا است که پی خواهید بُرد آنچه پیش کشیدید و بی‌جهت روی آن پافشاری کردید گفتمانی کودکانه بیش نبوده است، بلکه این گناه من و توست که عیسی را بر چوبه دار صلیب بُرد و مسؤولیتش با ماست. پولس می‌گوید: «مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مُرد» (اول قرن‌تیاں ۱۵ : ۳). آیا هنوز هم می‌خواهید یهودیان و دین مقدسشان را مسؤول مرگ عیسی مسیح بدانید؟

عیسای مسیح برای زنده کردن ارزشهای دین مقدس یهود بود که به جهان آمد. او آمد تا بی‌دینی را از قوم اسراییل بردارد و پیشگویی‌های آن را به انجام برساند. ملایان و رؤسای مذهبی در گذر زمان، شریعت جاودانی و کامل خداوند را با افزودن قانونهای من درآوردی به گونه‌ای تحریف کرده بودند که برای دوش مردم خسته از گناه به صورت باری گران درآمده بود. مردم تاب تحمل قانونهای سنگین و طاقت فرسای فریسیان و ملایان یهود را نداشتند. او بارها و بارها از آنان پرسید: «شما نیز به تقلید خویش از حکم خدا چراتجاوز می‌کنید؟» (متی ۱۵ : ۳) سپس اشاره به نبوت اشعیای نبی کرده فرمود: «این قوم به زبانهای خود به من تقرب می‌جویند و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث می‌کنند، زیرا که احکام مردم (انسانی) را به منزله فرایض تعلیم می‌دهند» (متی ۱۵ : ۸ - ۹).

عیسای مسیح بر طبق آنچه پیشگویی شده بود آمد تا بی‌دینی را از یعقوب بردارد و عهدی تازه با قوم ببندد. عهدی که در آن شریعتش و احکامش را بر قلب انسان بنویسد. ولی آنها نپذیرفتند و خواستند که در جهالت و بی‌ایمانی باقی بمانند. ولی وعده کتابمقدس این است که «از صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر خواهد شد و بی‌دینی را از یعقوب خواهد برداشت» (رومیان ۱۱ : ۲۶). این وعده هم مربوط به دوهزار سال پیش است که به انجام رسید و هم مربوط به بازگشت دوباره عیسای مسیح است که در آن تمام قوم اسراییل رستگار خواهد شد.

بیایید خدا را برای دین و قوم یهود شکر کنیم و هرگز از یاد نبریم که ما هر چه داریم از این قوم و دین مقدس آنهاست. از هرگونه اهانت به شریعت و احکام مقدس خداوند دست برداریم. اگر گاهی مشاهده می‌کنیم که در برخی رساله‌ها مطالبی بر ضد شریعت نوشته شده است، بهتر است در این باره از شبانان و معلمان کتابمقدس بپرسید و سپس شروع به آیه پراکنی به این و آن نکنید. واژه شریعت در نوشته‌های پولس رسول دارای معانی گوناگون است و شما نمی‌توانید سر خود یک معنی را به کل شریعت مقدس خدا ربط دهید! از ما گفتن و از شما ..